

نقش شبکه‌های اجتماعی و سبک‌های هویت زنان در ناپایداری زندگی مشترک^۱

عباس ساریخانی^۲

محمد علی کمالی نهاد^۳

چکیده

هدف کلی در مطالعه حاضر تعیین نقش اعتماد به شبکه‌های اجتماعی و سبک‌های هویت در ناپایداری زندگی مشترک بین زنان شهرستان اراک است. جامعه آماری این مطالعه کلیه زنان متأهل این شهرستان هستند و جامعه آماری به صورت نامحدود فرض شد و تعداد ۳۸۴ نمونه با روش نمونه‌گیری در دسترس در بهار ۱۳۹۸ انتخاب گردید و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج، مقیاس سبک‌های هویت، پرسش‌نامه اعتماد به اینترنت از بین زنان متأهل حاضر در مکان‌های عمومی، ادارات، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها به دست آمد. نتایج تحقیق نشان داد اعتماد به شبکه‌های اجتماعی بیانگر این موضوع است که زنان به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی وابستگی زیان‌آور دارند و این نکته ناپایداری در زندگی مشترک را افزایش می‌دهد و از بین سبک‌های هویت نیز، سبک هویت اطلاعاتی دارای بیش‌ترین و سبک هویت هنجاری دارای کم‌ترین شدت ارتباط با ناپایداری زندگی مشترک است.

واژگان کلیدی: بی‌ثباتی زندگی مشترک، فضای مجازی، سبک‌های هویتی.

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۴/۲۹

تأیید نهایی: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

۲. عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اراک. (نویسنده مسئول)
sarikhaniabbas@yahoo.com

۳ - عضو هیات علمی، گروه علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اراک

۱. مقدمه

ازدواج یک نقطه عطف در زندگی انسان و شکل‌دهنده نهاد خانواده است (ستوده، ۱۳۹۳: ۲۵). این نهاد به لحاظ قدمت، ابتدایی‌ترین و از لحاظ گستردگی، جهان‌شمول‌ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد و دیگران، ۱۳۸۶: ۶۱۷). روابط مناسب در جامعه براساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزازی، ۱۳۸۳: ۵۸). با نگاهی به میزان و رشد صعودی طلاق در ایران، مشخص است که ازدواج‌های بسیاری در مقایسه با سال‌های گذشته، دوام و ثبات خود را از دست می‌دهند. این رشد صعودی بیانگر افزایش بی‌ثباتی ازدواج در جامعه کنونی است. بی‌ثباتی ازدواج اصطلاحی است که بر گرایش فرد یا زوج به انحلال ازدواج دلالت دارد (وایت، لو و لوین، ۲۰۰۹: ۸۵) و می‌تواند پیامدهای زیان‌باری به‌بار آورد (آمونی بی- او یافانک، فالولا و سالایو، ۲۰۱۴: ۱۹۴). از این رو، پژوهشگران به دلیل پیش‌گیری از پیامدهای مخرب این پدیده به اجرای پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بینی آن ترغیب شدند.

اکثر مطالعاتی که در مورد بی‌ثباتی ازدواج زوجین و فضای مجازی صورت گرفته است، معتقدند که میزان استفاده زنان از شبکه‌های اجتماعی به طور معناداری بیش از مردان است (صالح و مختار، ۲۰۱۵: ۶۹)، اما استفاده مردان از این شبکه‌ها، نارضایتی و تعارض بیشتری به دنبال دارد. این امر تا حدی می‌تواند به نرم‌های اجتماعی بازگردد. زنان معمولاً روابط گسترده‌تری با دوستان، خانواده و اطرافیان برقرار می‌کنند و این امر از سوی جامعه به عنوان یک ویژگی جنسیتی زنانه پذیرفته شده است. در حالی که در مورد مردان این‌گونه نیست. از این رو، صرف زمان در شبکه‌های اجتماعی از سوی مردان، حساسیت بیشتری را در زنان برمی‌انگیزد. تبیین دیگر این‌که زنانی که در شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذرانند، ممکن است از روابط درون خانه رضایت چندانی نداشته باشند و به دنبال روابط مثبت دیگری در شبکه‌ها باشند (حتی روابط رمانتیک با جنس مخالف)؛ امری که می‌تواند با درک بی‌ثباتی ازدواج، رابطه مثبت داشته باشد (دیو و تولان، ۲۰۱۵: ۱۵۴). به قول والنزوئلا، هالپرن و کتز (۲۰۱۴) هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد که یک پروفایل فیس‌بوک که عامل نسبتاً کوچکی در مقایسه با سایر محرک‌های رفتارهای انسانی است، می‌تواند رابطه معناداری از نظر آماری با نرخ طلاق و رضایت‌مندی از ازدواج داشته باشد؛ ولی گویا حقیقت دارد. با نگاهی به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه بی‌ثباتی ازدواج، مشخص است که نقش متغیرهای درون فردی و شخصیتی در رابطه با این پدیده، نسبت به متغیرهای برون فردی بسیار کمتر مورد توجه بوده است. لذا در این پژوهش سعی شده است به نقش خود فرد در بروز احتمال وقوع طلاق یا به عبارتی، بی‌ثباتی ازدواج توجه شود. بر این اساس دو متغیر سبک هویتی و فضای مجازی انتخاب شد تا سهم آنها در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱. بیان مسأله

روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزازی، ۱۳۹۳: ۸۷). با نگاهی به میزان و رشد صعودی طلاق در ایران، مشخص است که ازدواج‌های بسیاری در مقایسه با سال‌های گذشته دوام و ثبات خود را از دست می‌دهند. این رشد صعودی بیانگر افزایش ناپایداری و بی‌ثباتی ازدواج در جامعه کنونی است. بی‌ثباتی ازدواج اصطلاحی است که بر گرایش فرد یا زوج به انحلال ازدواج دلالت دارد

(وایت، لو و لوین^۱، ۲۰۰۹: ۱۴۵) و می‌تواند پیامدهای زیان‌باری به بار آورد (آمونیی، اویافانک، فالولا و سالایو^۲، ۲۰۱۴: ۴۲) از این رو پژوهشگران برای پیشگیری از پیامدهای مخرب این پدیده به اجرای پژوهش‌هایی در زمینه شناسایی عوامل پیش‌بین آن ترغیب شده‌اند. با توجه به اینکه کیفیت رابطه زناشویی مفهومی چند بعدی، پویا و وابسته به زمان و تغییرات بیرونی و درونی است، بنابراین مجموعه‌ای از عوامل یا متغیرها می‌توانند بر این موضوع تأثیر بگذارند که یکی از این عوامل، گسترش و استفاده روزافزون زوجین از فضای مجازی است (عطارزاده و مصفا، ۱۳۸۴: ۱۳۴).

فضای مجازی، نسل جدیدی از فضای روابط اجتماعی است و با اینکه عمر خیلی زیادی ندارد، توانسته به خوبی در زندگی مردم جا باز کند. افراد بسیاری در سنین مختلف و از گروه‌های اجتماعی متفاوت در فضای مجازی کنار هم گرد آمده‌اند و از فاصله‌های بسیار دور در دنیای واقعی از این طریق با هم ارتباط برقرار می‌کنند (کاشانی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

امروزه روش‌های ارتباطی با دیگران از طریق اینترنت افزایش یافته است. خانواده ایرانی در سبب فرهنگی خود مواجه با شبکه‌های ماهواره‌ای، فضای مجازی، رسانه‌های مدرن و ... است که هر کدام به نوبه خود بخشی از فرآیند تأثیرگذاری در خانواده را هدف گرفته‌اند. بعضی از شبکه‌های ماهواره‌ای به طور تخصصی تمام تمرکز خود را بر مقوله خانواده نهاده است و پیام مشترک برنامه‌های این شبکه‌ها عبارتند از: ترویج خانواده‌های بی‌سامان و لجام‌گسیخته در مقابل ساختار خانواده، عادی‌سازی خیانت همسران به یکدیگر، عادی جلوه‌دادن روابط جنسی دختر و پسر پیش از ازدواج و...

گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین تغییراتی به وجود آورده است که از جمله آن‌ها به کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کاهش ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی به دلیل رشد فناوری، از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین و ایستادن در برابر یکی از والدین یا هر دو را می‌توان نام برد (عطارزاده و مصفا، ۱۳۸۴: ۷۵).

در واقع، در دنیای مدرن مسایل پیرامون زندگی زناشویی مانند تکنولوژی و اینترنت و ویژگی‌های تعاملی با فضای مجازی منجر به تغییر در ساختار روابط بین فردی زوجین و آسیب زدن به آن می‌شود (هرتلین و استیونسون^۳، ۲۰۱۶: ۱۴۵). در این راستا، زنان به واسطه عدم آگاهی کافی از این ویژگی‌های تعاملی مختص فضای مجازی، به نوعی تقلید به شکل پیچیده‌تر از تعامل واقعی در فضای مجازی می‌پردازند که در قالب شناخت و رفتار غیرواقع‌بینانه و با هویت‌های غیرواقعی به شیوه نامتعارف منجر به هنجارشکنی قواعد در روابط زناشویی می‌گردد (هرتلین، ۲۰۱۵: ۱۰۲)؛ به گونه‌ای که در حال حاضر با وجود داشتن پتانسیل‌های بی‌شمار در زندگی، طیف وسیعی از آسیب‌های برآمده از این فضا در روابط زوجین ایجاد شده است. بعضی از این آسیب‌ها شامل تغییر ارزش‌ها و ترویج مصرف‌گرایی و تجمل‌پرستی، تغییر در سبک زندگی، کاهش ارتباطات بین فردی، اعتیاد اینترنتی و هرزه‌نگاری و اعتیاد جنسی می‌باشد (شجاعی جشوقانی، احمدی علون آبادی، جزایری و اعتمادی، ۱۳۹۷: ۴۵).

از طرفی اریکسون معتقد است یک فرد زمانی می‌تواند روابط صمیمی پایدار برقرار کند که به هویت منسجمی دست یافته باشد (پاپالیا، آلدز، فلدمن، ۱۳۹۱: ۵۲). در حالی که عدم کسب آن موجب افسردگی (چن، لی و وا^۴،

- 1 . Waite, Luo, & Lewin
- 2 . Omoniyi-Oyafunke, Falola Salau
- 3 . Hertlein KM, Stevenson
- 4 . Bloch, Haase, & Levenson

۲۰۱۳)، هراس از برقراری روابط صمیمی (شولنز و شولتز، ۱۳۹۲: ۲۴۱)، گیر افتادن در چرخه‌های معیوب رفتاری و ناتوانی در حفظ روابط پایدار (شوارتز، کلیمسترا^۱ و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۴۵) می‌شود. مبنای رسیدن به هویت و درک منسجمی از خود، سبک‌های هویتی نام دارد (برزونسکی^۲، ۲۰۰۳: ۱۷۴). سبک‌های فرآیندی هویت اشاره به این دارد که مردم چگونه اطلاعات هویتی خود را پردازش می‌کنند و چگونه در مورد موضوعات هویتی خود بحث و گفت‌وگو و تصمیم‌گیری می‌کنند (زارعی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۶). برزونسکی (۱۹۹۷) تحول هویت را در قالب یک فرآیند مفهوم‌سازی کرده است، به طوری که شامل سه سبک پردازش هویت می‌شود: (۱) اطلاعاتی، (۲) هنجاری، (۳) سر درگم/اجتنابی. هر کدام از این سبک‌ها سطوحی از مهارت‌های اجتماعی (کر، پردلان، حیدری و قاسمی، ۲۰۱۳: ۱۴۰)، سلامت روان (شریعتی، کرجی و فکوری، ۲۰۱۴: ۳۰۱)، نشاط روان‌شناختی (رفاهی، بهمنی، نیری و نیری، ۲۰۱۵: ۱۵۲)، برقراری روابط صمیمی (کوران و بوش^۳، ۲۰۱۴: ۳۲) و میزان تعهد را موجب می‌شوند که به نظر می‌رسد برای تداوم یک زندگی زناشویی ضروری هستند؛ لذا با توجه به رشد نرخ طلاق که دال بر افزایش بی‌ثباتی ازدواج است و پیامدهای ناخوشایندی که برای فرزندان، زوجها و جامعه به‌بار می‌آورد، شناسایی عوامل درون‌فردی که در بروز این پدیده نقش دارند از اهمیت خاصی برخوردار است. سؤال اصلی این تحقیق این است که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و سبک‌های هویت در پیش‌بینی ناپایداری ازدواج زنان شهرستان اراک چه نقشی ایفا می‌کند؟

۱-۲. پیشینه تحقیق

رضایی، بوستانی‌پور و حبیبیان (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان بررسی نقش اعتماد و صمیمیت در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل انجام دادند، یافته‌های پژوهش بیانگر این نتیجه بود که ارتباط منفی و معنادار اعتماد و بی‌ثباتی ازدواج در مردان و زنان بود. این بدان معناست که با افزایش اعتماد، بی‌ثباتی در ازدواج کاهش یابد و برعکس، هم‌چنین رابطه بین صمیمیت با بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان نیز رابطه‌ای منفی و معنادار بود. این بدان معناست که با افزایش صمیمیت، بی‌ثباتی در ازدواج کاهش یابد.

مختاری، میرفردی و محمودی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان گرایش به طلاق در شهر یاسوج به این نتیجه رسیدند که بین متغیرهای: میزان رضایت جنسی و عاطفی از همسر، میزان مرادده با خویشاوندان، میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، میزان وفاداری همسر و سطح انرژی عاطفی در خانواده، با متغیر میزان گرایش به طلاق رابطه‌ی معکوس و معنی‌دار وجود دارد و بین متغیرهای تفاوت تحصیلی زوجین، اختلاف سنی زوجین و اختلاف طبقاتی خانواده‌ی زوجین با متغیر میزان گرایش به طلاق، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

مدرسی، زاهدیان و هاشمی محمدآباد (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی به این نتیجه رسیدند که بین گروه‌های متقاضی طلاق با گروه شاهد از نظر ابعاد مختلف مثلث عشق و میزان سازگاری زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود داشت. یافته‌ها هم‌چنین حاکی از تفاوت معنی‌داری بین متقاضیان طلاق با و بدون سابقه خیانت زناشویی از نظر میزان صمیمیت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود داشت.

- 1 . Schwartz & Klimstra
- 2 . Berzonsky
- 3 . Curran & Bosch

ریحانی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس مهارت تنظیم هیجانی و سبک‌های هویتی پرداخت. یافته‌های وی نشان داد که در جامعه ایرانی نقش سبک‌های هویتی در درک افراد از موفق بودن ازدواج نقش بسزایی دارد.

اسکندری و درودی (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی پرداختند. نتیجه کلی این پژوهش حاکی از آن است که هرچه میزان وابستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، کیفیت روابط زن و شوهر به طور معناداری پایین‌تر است. این رابطه معکوس و معنادار در همه ابعاد تعارضات زناشویی شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه‌ی فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباطات موثر نیز وجود دارد.

جشوقانی، احمدی علون‌آبادی، جزایری و اعتمادی، ۱۳۹۷ به بررسی اثربخشی مداخلات مبتنی بر آسیب‌های برآمده از فضای مجازی بر کیفیت رابطه زوجین پرداختند. یافته‌ها نشان داد که آموزش درمان مبتنی بر آسیب‌های برآمده از فضای مجازی، تأثیر معنی‌داری بر کیفیت رابطه زناشویی زوجین گروه آزمایش داشت، بدین معنی که میانگین کیفیت رابطه‌ی زناشویی گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون به طور معنی‌داری بالاتر از گروه شاهد بود.

کوران و بوش (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان سبک‌های هویت و ازدواج برای زن و مردی که با هم زندگی می‌کنند به طوری که در آستانه والد شدن هستند، به چگونگی ارتباط بین سبک‌های هویتی و جنبه‌های ازدواج که دربرگیرنده نگرش به ازدواج و دلایل ازدواج نکرده می‌شود، پرداخته‌اند، نمونه این پژوهش شامل ۱۲۷ نفر از افراد مجرد، باردار و افرادی که بدون ازدواج با هم زندگی می‌کنند، می‌باشد. یافته‌های حاصل نشان داد افراد با سبک هویتی انطباقی بیش‌ترین نگرش منفی به ازدواج را داشتند و با خود تردیدی بیش‌تر به عنوان دلایلی جدی برای ازدواج نکرده تلاش می‌کنند. علاوه بر این، مشخص شد افراد با سبک هویتی انطباقی که عاری از معنای خود هستند، مشکلات بیشتری را در مرحله‌ی والدینی و بحران‌ها تجربه کرده و در ایجاد صمیمیت با شرکای زندگی-شان ضعیف عمل می‌کنند.

کلایتون و همکاران (۲۰۱۳) با هدف بررسی اثرات استفاده از فیس‌بوک بر روابط عاطفی و بر روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۸ نفر از کاربران ۱۸ تا ۸۲ ساله انجام گرفت، نتایج بیانگر وجود ارتباط بین استفاده مفرط از فیس‌بوک و پیامدهای منفی ارتباطی بود. نویسندگان بر اثرات نامطلوب این رسانه بر افزایش نرخ طلاق و عوارض عاطفی نامطلوب آن تأکید نمودند.

کلایتون (۲۰۱۴) در پژوهشی دیگر پیرامون اثرات استفاده از تویتر بر روابط زوجی، خیانت زناشویی و طلاق به این نتیجه رسید که بین استفاده از این رسانه و احتمال گسست در روابط عاطفی و تشدید احتمال خیانت در روابط زناشویی رابطه وجود دارد. تحقیقات نشان داده است که هرچه سال‌های سپری شده از ازدواج کمتر باشد یا به عبارتی زوجین جوان باشند، اثرات منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر است.

کلایتون، ناگارونی و اسمیت (۲۰۱۳) نشان دادند که استفاده در سطح بالا از فیس‌بوک بویژه در بین کسانی که سه سال یا کمتر از روابط آنها نگذشته است، با روابط منفی بین زوجین در ارتباط مستقیم قرار دارد.

روجویی (۲۰۱۲) در رساله دکتری خود با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش زوجین نسبت به تعارضات زناشویی (در رومانی)» نشان داد که شبکه‌های اجتماعی، منبعی برای فشار اجتماعی بر زوج‌های جوان است؛ هم در انتقال ارزش‌ها و هم در تحمیل ارزش‌ها، در اصول زندگی، الگوهای رفتاری و تغییر رفتارها و نگرش‌هایی که نامطلوب هستند.

لنهارت، دوگان و اسمیت (۲۰۱۴) نشان دادند که نگاه و الگوی استفاده از فناوری در زوجینی که مدت طولانی‌تری با هم هستند (حدود ۱۰ سال و بالاتر) متفاوت از زوجین جوان‌تر است. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، جوانان و آنها که مدت کمتری از تاریخ ازدواجشان گذشته است، بیشتر تحت تأثیر فناوری (مثبت یا منفی) قرار می‌گیرند.

از دیگر تحقیقات ملی که ۱۳۶۸ زوج آمریکایی را مورد مطالعه قرار داده، رابطه بین استفاده از رسانه‌های از سوی دیگر سنجیده شده است. بازی‌های سرگرم‌کننده، از یک سو و رضایت، تعارض و ادراک بی‌ثباتی ازدواج گزارش نشان داد که بازی‌های ویدیویی زنان - از طریق موبایل، رایانه یا... به صورت آنلاین یا آفلاین - به طور مثبت با گزارش تعارضات زناشویی آنان و ادراک بی‌ثباتی ازدواج آنان رابطه دارد. در حالی که استفاده‌ی شوهران از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور مثبت با تعارضات زناشویی آنان و به‌طور منفی با رضایت زنان آنها رابطه دارد. به عبارت دیگر، هر اندازه زنان بیشتر اهل بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی باشند، تعارضات زناشویی آنها و ادراک آنها از بی‌ثباتی زناشویی بیشتر است و هرچه مردان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر استفاده کنند، تعارضات زناشویی و نارضایتی بیشتر همسرانشان را به همراه دارد (دیو و تولان، ۲۰۱۵).

۱-۳. روش تحقیق و جامعه‌ی آماری

این پژوهش برحسب نوع گردآوری اطلاعات، توصیفی از نوع همبستگی است. از لحاظ هدف کلی، تحقیق بنیادی و از لحاظ محیط پژوهش میدانی است. در این مطالعه جامعه آماری شامل کلیه‌ی زنان متأهل شهرستان اراک در سال ۱۳۹۸ می‌باشد. با توجه به اینکه تعداد متأهلین بیش از ده هزار نفر در شهر اراک باشد؛ لذا با توجه به وسیع بودن جامعه مورد مطالعه، تعداد مورد نیاز تحقیق بر اساس جدول کرجسی و مورگان انتخاب می‌شود. به علت اینکه برآورد دقیق اعضای جامعه به علت گستردگی امکان‌پذیر نیست، جامعه به صورت نامحدود فرض و تعداد ۳۸۴ نمونه به روش نمونه‌گیری در دسترس در بهار ۹۸ انتخاب گردید و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج، مقیاس سبک‌های هویت و پرسش‌نامه اعتیاد به اینترنت از بین زنان متأهل حاضر در مکان‌های عمومی، ادارات، دانشگاه‌ها و کتابخانه‌ها به دست آمد.

۲- ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است که عبارت‌اند از:

۱-۲. شاخص بی‌ثباتی ازدواج

شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII) یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج توسط ادواردز، جانسون و بوث (۱۹۸۷، به نقل از ثنایی، ۱۳۸۷: ۲۴۹) تدوین شده است. این شاخص به صورت صفر و ۱ نمره - گذاری می‌شود که گزینه بله برابر با ۱ و گزینه خیر برابر با صفر می‌باشد. هم‌چنین پاسخ‌های نمی‌دانم، «بله» محسوب می‌شوند. کم‌ترین نمره در این پرسش‌نامه صفر و بیش‌ترین برابر با ۱۴ است. نمره پایین در این شاخص به معنای ثبات بیشتر ازدواج و زندگی زناشویی و نمره بالا بیانگر بالا بودن بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد (ثنایی، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی مورد سنجش و تأیید قرار گرفته است و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط به مشکلات و اختلاف‌های زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی همبستگی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرون‌باخ ۰/۹۳ گزارش شده است. در ایران نیز یاری‌پور (۱۳۷۹) برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار از روش همبستگی بین دو

نیمه برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده کرد و ضریب اعتبار را ۰/۷۰٪ گزارش نمود. هم‌چنین اعتبار این آزمون توسط احمدی، دوازده امامی، شهیداد و اخوان راد (۱۳۹۱) به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش شده است.

۲-۲. مقیاس سبک‌های هویت

مقیاس سبک‌های هویت (ISI-۶۶) که یک مقیاس خودگزارشی است، در سال ۱۹۹۸ توسط وایت و همکارانش (نقل از هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۸۴) به‌گونه‌ای طراحی شده است که جهت‌گیری افراد را در مسایل هویتی آنها مورد ارزیابی قرار می‌دهد و مشتمل بر ۴۰ گویه می‌باشد از مجموع این ۴۰ گویه ۱۱ گویه مربوط به سبک هویت اطلاعاتی است به عنوان مثال «وقت زیادی را صرف فکر کردن راجع به این مسأله می‌کنم که با زندگی چه باید بکنم» و ۹ گویه مربوط به سبک هویت هنجاری است؛ مثلاً «رفتارها و شیوه‌ی فعلی زندگی‌ام ناشی از ارزش‌هایی است که با آنها بزرگ شده‌ام» ۱۰ گویه مربوط به سبک هویتی سردرگم - اجتنابی می‌باشد؛ به عنوان مثال: «سعی می‌کنم از مسائلی که مرا به فکر فرو می‌برد، پرهیز کنم» که در مجموع تعداد گویه‌ها به ۳۰ گویه محدود شده است. مقیاس این پرسشنامه پنج ارزشی بوده و از کاملاً مخالفم ۱ تا کاملاً موافقم ۵ درجه‌بندی شده که آزمودنی در مقابل هر گویه یکی از گزینه‌های فوق را انتخاب نموده است. برای بررسی اعتبار این مقیاس، وایت و همکاران (۱۹۹۸) پس از تحلیل عاملی، ضرایب همبستگی بین عوامل را به ترتیب برای سه عامل سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم / اجتنابی ۰/۷۹، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز غضنفری (۱۳۸۳) ضریب آلفای ۰/۶۸ را برای کل نمونه پژوهش خود به‌دست آورد. هم‌چنین در پژوهش دانشورپور و همکاران (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ برای هریک از خرده مقیاس‌های سبک‌های اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم / اجتنابی و تعهد به ترتیب ۰/۵۷، ۰/۵۰، ۰/۵۴ و ۰/۶۶ به دست آمده است.

۲-۳. پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی

پرسش‌نامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی یک پرسش‌نامه ۲۳ سؤالی است که (خواجه احمدی، پولادی و بحرینی، ۱۳۹۵) در تحقیق خود با عنوان «طراحی و روان‌سنجی پرسش‌نامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل» طراحی شده است. بر اساس نتایج تحلیل عامل اکتشافی انجام یافته بر روی ۲۶ گویه، تعداد ۲۳ گویه تأیید و ابعاد اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در ۴ عامل قرار گرفتند که عامل اول با ۹ گویه تحت عنوان عملکرد فردی، عامل دوم با ۶ گویه تحت عنوان مدیریت زمان، عامل سوم با ۴ گویه، تحت عنوان خودکنترلی، عامل چهارم با ۴ گویه تحت عنوان روابط اجتماعی نام‌گذاری شدند. پس از انجام تحلیل عاملی، همسانی درونی کل پرسشنامه ۲۳ عبارتی مورد بررسی قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ در نمونه‌ی ۲۶۰ نفری دانشجویان علوم پزشکی بوشهر برای کل پرسشنامه (۰/۹۲۷) و هم‌چنین به تفکیک برای هر کدام از عامل‌های پرسشنامه با حداقل ۰/۶۸۱ و حداکثر ۰/۹۰۷ محاسبه گردید. برای نمره‌گذاری پرسشنامه در ابتدا و قبل از به‌کارگیری ابزار، به مخالف (نمره ۱)، تا اندازه‌ای مخالف (نمره ۲)، بی‌نظر (نمره ۳) و تا اندازه‌ای موافق (نمره ۴) و کاملاً موافق (نمره ۵) داده شد. لازم به ذکر است که در پرسشنامه مذکور تمامی سؤالات مثبت بودند. پس از دریافت پاسخ‌های ۲۶۰ فرد پاسخ‌دهنده، بر اساس میزان و توزیع پاسخ‌ها مشخص گردید که همه‌ی ستون‌های مقیاس لیکرت ۵ بخشی توسط مشارکت‌کنندگان انتخاب شده‌اند. با توجه به این که پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی دارای ۲۳ گویه می‌باشد، لذا با احتساب حداقل امتیاز ۱ و حداکثر امتیاز ۵ برای هر گویه، حداقل امتیاز کل پرسشنامه ۲۳ و حداکثر امتیاز کل پرسشنامه ۱۱۵ خواهد بود. به منظور تعیین محاسبه‌ی فاصله‌ی نرم مقیاس چهار طبقه - ای پرسشنامه‌ی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی از فرمول زیر استفاده شد:

فاصله نرم مقیاس

حداقل کل امتیاز پرسشنامه - حداکثر کل امتیاز پرسشنامه

تعداد طبقات پاسخ گویی به سوالات پرسشنامه

بدین ترتیب سطح اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی در یک مقیاس لیکرت ۵ امتیازی در ۴ سطح کاربر پایین‌تر از حد معمول (۲۳-۴۶)، کاربر معمولی (۴۶-۶۹)، کاربر در شرف اعتیاد (۶۹-۹۲)، و کاربر معتاد (۹۲-۱۱۵) توصیف گردید.

در این پژوهش به منظور تعیین اعتبار علمی پرسشنامه‌ها از روش اعتبار محتوا استفاده خواهد شد. بدین صورت که پرسشنامه‌ها توسط پژوهشگر با مطالعه کتب و مجلات علمی تهیه شده، در مرحله بعد در اختیار استاد راهنما قرار خواهد گرفت که بعد از بررسی و اصلاحات لازم اعتبار محتوا حاصل خواهد گردید. پایایی ابزارهای مورد بررسی در این مطالعه در تحقیقات قبلی سنجیده شده است و در این پژوهش نیز بر اساس یک نمونه مقدماتی، تحت نرم‌افزار آماری SPSS24 به روش آلفای کرونباخ برآورد گردید که به شرح زیر می‌باشد:

پرسش‌نامه	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
سبک‌های هویت	۳۰	۰/۹۴۳
ناپایداری ازدواج	۱۴	۰/۷۷۸
اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی	۲۳	۰/۹۲۳

۳- آزمون فرضیه‌های تحقیق

۳-۱. آزمون فرضیه ۱

بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و ناپایداری زندگی مشترک زنان شهرستان اراک رابطه وجود دارد.

جدول ۱: نتایج آزمون همبستگی اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و ناپایداری زندگی مشترک

متغیر وابسته		متغیر مستقل	
ضریب همبستگی	مقدار احتمال	ضریب تعیین	متغیر مستقل
۰/۶۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۱۱	اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی
۰/۴۸۱	۰/۰۰۱	۰/۲۳۱	عملکرد فردی
۰/۶۱۴	۰/۰۰۱	۰/۳۷۷	مدیریت زمان
۰/۵۲۹	۰/۰۰۱	۰/۲۸۰	خودکنترلی
۰/۴۸۴	۰/۰۰۱	۰/۲۳۴	روابط اجتماعی

تجزیه و تحلیل آماری: نتایج مندرج در جدول ۱ نشان می‌دهد بین اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی و ناپایداری زندگی مشترک همبستگی با مقدار ۰/۶۴۱ و مقدار احتمال ۰/۰۰۱ وجود دارد. بنابراین همبستگی بین دو متغیر

مستقل و وابسته مثبت، قوی و معنادار است. ضریب تعیین ($R^2=0/411$) نشان می‌دهد که اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، در ۴۱ درصد موارد ناپایداری در ازدواج را افزایش می‌دهد.

در بین خرده مقیاس‌های اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، مدیریت زمان با ضریب $0/614$ دارای بیش‌ترین ارتباط و خرده مقیاس عملکرد فردی با ضریب $0/481$ دارای کمترین شدت ارتباط با ناپایداری زندگی مشترک می‌باشد.

۲-۳. آزمون فرضیه ۲

بین سبک‌های هویت و ناپایداری زندگی مشترک زنان شهرستان اراک رابطه وجود دارد.

جدول ۳- نتایج آزمون همبستگی سبک‌های هویت و ناپایداری زندگی مشترک

ناپایداری زندگی مشترک			متغیر وابسته
ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مقدار احتمال	
۰/۳۳۴	-۰/۵۷۸	۰/۰۰۱	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۱۱۳	-۰/۳۳۶	۰/۰۰۱	سبک هویت هنجاری
۰/۲۴۲	۰/۴۹۲	۰/۰۰۱	سبک هویت سردرگمی/اجتنابی

تجزیه و تحلیل آماری: در بررسی سبک‌های هویت، سبک هویت اطلاعاتی با ضریب $-0/578$ دارای بیش‌ترین شدت ارتباط و سبک هویت هنجاری با ضریب $-0/336$ دارای کمترین شدت ارتباط با ناپایداری زندگی مشترک است.

۳-۳. آزمون فرضیه ۳

به منظور بررسی تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر ناپایداری زندگی مشترک از رگرسیون چندگانه استفاده می‌گردد.

جدول ۴- نتایج آزمون رگرسیون چندگانه متغیرهای مستقل بر ناپایداری زندگی مشترک

مقدار احتمال	همبستگی چندگانه	دوربین - واتسن	مقدار خطا	ضریب تعیین	ابعاد متغیر مستقل
۰/۰۰۱	۰/۸۶۵	۱/۸۶۷	۰/۷۴۶	۰/۷۴۹	ابعاد متغیر مستقل

جدول ۵: تحلیل واریانس متغیرهای مستقل بر ناپایداری زندگی مشترک

مقدار احتمال	F	مربع میانگین	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
		۱۷/۰۷۳	۵	۸۵/۳۶۷	۱
۰/۰۰۱	۲۲۵/۶۰۶	۰/۰۷۶	۳۷۸	۲۸/۶۰۶	
			۳۸۳	۱۱۳/۹۷۴	

جدول ۶: ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل بر ناپایداری زندگی مشترک

مقدار احتمال	t	ضرایب استاندارد		B	مدل
		ضرایب	مقدار خطا		
۰/۰۰۱	-۸/۴۴۵	-	۰/۳۳۸	-۲/۸۵۳	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	-۸/۲۴۵	-۰/۵۹۵	۰/۰۷۵	-۰/۶۱۹	نقش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۵۱	-۱/۹۶۲	-۰/۰۹۵	۰/۰۴۴	-۰/۰۸۷	سبک هویت اطلاعاتی
۰/۰۰۱	۱۳/۸۱۹	۰/۶۴۹	۰/۰۴۰	۰/۵۵۳	سبک هویت هنجاری
۰/۰۰۱	-۷/۳۱۹	-۰/۳۹۴	۰/۰۴۴	-۰/۳۲۳	سبک هویت سردرگمی

نتایج حاصل در جداول ۴ تا ۶ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی چندگانه بین ابعاد متغیر مستقل و متغیر وابسته (ناپایداری زندگی مشترک)، ۰/۸۶۵ است، که بیانگر این است که بین مجموعه متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق همبستگی وجود دارد. با توجه به معناداری مقدار آزمون F (۰/۰۰۱) مندرج در جدول تحلیل واریانس، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق، که متشکل از ۵ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته می‌باشد، مدل خوبی است. به عبارتی مجموعه متغیرهای مستقل می‌توانند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند. بنابراین مدل رگرسیونی تأیید می‌گردد. جدول ضرایب استاندارد نشان می‌دهد که مقدار ضریب استاندارد (Beta) متغیر «نقش اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی»، ۰/۵۹۵، «سبک هویت اطلاعاتی»، ۰/۰۹۵، سبک هویت هنجاری ۰/۶۴۹ و سبک هویت سردرگمی ۰/۳۹۴- می‌باشد. در نتیجه به دلیل اینکه ضریب بتای سبک هویت هنجاری بیشتر از بقیه می‌باشد؛ این متغیر بیشترین سهم را در تبیین واریانس متغیر وابسته دارد. در مدل مطرح شده تأثیر سبک هویتی اطلاعاتی معنادار نیست و سبک هویتی سردرگمی معکوس و معنادار است. آماره دوربین‌واتسن (۱/۸۶۷) در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد و بیانگر عدم همبستگی بین خطاهای متغیرهای مستقل می‌باشد.

۴- نتایج و یافته‌ها

در بین خرده مقیاس‌های اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی، مدیریت زمان با ضریب ۰/۶۱۴ دارای بیشترین ارتباط و خرده مقیاس عملکرد فردی با ضریب ۰/۴۸۱ دارای کمترین شدت ارتباط با ناپایداری زندگی مشترک می‌باشد. نتایج تحقیق حاضر با پژوهش اسکندری و درودی (۱۳۹۵) همسو است. نتیجه کلی این پژوهش حاکی از آن است که هرچه میزان وابستگی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشد، کیفیت روابط زن و شوهر به طور معناداری پایین‌تر است. این رابطه معکوس و معنادار در همه ابعاد تعارضات زناشویی شامل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه فردی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباطات مؤثر نیز وجود دارد.

کلایتون، ناگورنی و اسمیت (۲۰۱۳) نشان دادند که استفاده مفرط از این فضاها می‌تواند آسیب‌های جدی به روابط زناشویی بویژه روابط عاطفی زوج وارد نماید. به عنوان نمونه، چندین مطالعه آشکار ساخته که استفاده از فیس‌بوک از طریق کاهش زمان مراقبت و صمیمیت، افزایش ابهام در روابط فرازناشویی، تحریک حسادت، استفاده تکانشی و وسواسی از اینترنت و رد و بدل کردن تصاویر و پیام‌های عاشقانه خارج از عرف زناشویی می‌تواند

صمیمیت عاطفی را خدشه‌دار کند (یوتز، بئوکبوم، ۲۰۱۱؛ پاپ، دانیلویچ و سایمبرگ، ۲۰۱۲: ۲۰۱). همین مشکلات در خصوص استفاده از رسانه‌هایی مانند توئیتر نیز گزارش شده است (کلایتون، ۲۰۱: ۱۸۸). والنزولا، هالپرن و کتز (۲۰۱۴) پژوهشی را با عنوان «شبکه‌های اجتماعی، کیفیت ازدواج و طلاق: پژوهش میدانی و شواهد ایالتی از ایالات متحده» به انجام رساندند. نتایج نشان می‌دهد که کاربرد شبکه‌های اجتماعی با کیفیت ازدواج و خوشبختی، ارتباط منفی و با تجربه یک رابطه‌ی مشکل‌دار و فکر درباره‌ی طلاق، ارتباط مثبت دارد.

در پژوهش دیگری که در آمریکا توسط کلایتون و همکاران (۲۰۱۳) با هدف بررسی اثرات استفاده از فیس-بوک بر روابط عاطفی و بر روی نمونه‌ای با حجم ۲۰۸ نفر از کاربران ۱۸ تا ۸۲ ساله انجام گرفت، نتایج بیانگر وجود ارتباط بین استفاده مفرط از فیس‌بوک و پیامدهای منفی ارتباطی بود. نویسندگان بر اثرات نامطلوب این رسانه بر افزایش نرخ طلاق و عوارض عاطفی نامطلوب آن تاکید نمودند. کلایتون (۲۰۱۴) در پژوهشی دیگر پیرامون اثرات استفاده از توئیتر بر روابط زوجی، خیانت زناشویی و طلاق به این نتیجه رسید که بین استفاده از این رسانه و احتمال گسست در روابط عاطفی و تشدید احتمال خیانت در روابط زناشویی رابطه وجود دارد. تحقیقات نشان داده است که هرچه سال‌های سپری شده از ازدواج کمتر باشد یا به عبارتی زوجین جوان باشند، اثرات منفی استفاده از شبکه‌های اجتماعی بیشتر است. برای نمونه، کلایتون، ناگارونی و اسمیت (۲۰۱۳) نشان دادند که استفاده در سطح بالا از فیس‌بوک بویژه در بین کسانی که سه سال یا کمتر از روابط آنها نگذشته است، با روابط منفی بین زوجین در ارتباط مستقیم قرار دارد. هم‌چنین، روجویی (۲۰۱۲) در رساله دکتری خود با عنوان «تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر نگرش زوجین نسبت به تعارض زناشویی (در رومانی)» نشان داد که شبکه‌های اجتماعی، منبعی برای فشار اجتماعی بر زوج‌های جوان است؛ هم در انتقال ارزش‌ها و هم در تحمیل ارزش‌ها، در اصول زندگی، الگوهای رفتاری و تغییر رفتارها و نگرش‌هایی که نامطلوب هستند. به طور کلی لنه‌ارت، دوگان و اسمیت (۲۰۱۴) نشان دادند که نگاه و الگوی استفاده از فناوری در زوجینی که مدت طولانی‌تری با هم هستند (حدود ۱۰ سال و بالاتر)، متفاوت از زوجین جوان‌تر است. همان‌طور که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، جوانان و آنها که مدت کمتری از تاریخ ازدواجشان گذشته است، بیشتر تحت تأثیر فناوری (مثبت یا منفی) قرار می‌گیرند. در یکی دیگر از تحقیقات ۱۳۶۸ زوج آمریکایی مورد مطالعه قرار گرفته، رابطه‌ی بین استفاده از رسانه‌ها و بازی‌های سرگرم‌کننده، از یک سو و رضایت، تعارض و ادراک بی‌ثباتی ازدواج از سوی دیگر سنجیده شده است.

گزارش نشان داد که بازی‌های ویدیویی زنان - از طریق موبایل، رایانه یا ... به صورت آنلاین یا آفلاین - به طور مثبت با گزارش تعارضات زناشویی آنان و ادراک بی‌ثباتی ازدواج آنان رابطه دارد. در حالی که استفاده‌ی شوهران از سایت‌های شبکه‌های اجتماعی به‌طور مثبت با تعارضات زناشویی آنان و به‌طور منفی با رضایت زنان آنها رابطه دارد. به عبارت دیگر، هر اندازه زنان بیشتر اهل بازی‌های رایانه‌ای و موبایلی باشند، تعارضات زناشویی آنها و ادراک آنها از بی‌ثباتی زناشویی بیشتر است و هرچه مردان از شبکه‌های اجتماعی بیشتر استفاده کنند، تعارضات زناشویی و نارضایتی بیشتر همسرانشان را به همراه دارد (دیو و تولان، ۲۰۱۵: ۲۸۵).

نتایج نشان داد که بین سبک‌های هویت و ناپایداری زندگی مشترک همبستگی با مقدار $0/586$ و مقدار احتمال $0/001$ وجود دارد. بنابراین همبستگی بین دو متغیر مستقل و وابسته مثبت و معنادار است. ضریب تعیین $(r^2=0/343)$ نشان می‌دهد سبک‌های هویت، در ۳۴ درصد موارد ناپایداری در زندگی مشترک را افزایش می‌دهد. یافته‌ها حاکی از آن است که سبک‌های هویت نیز در بی‌ثباتی ازدواج نقش مهمی ایفا می‌کنند. تاکنون پژوهش‌های زیادی تأیید کننده‌ی این فرضیه بوده‌اند که هویت چه از منظر دیدگاهی پیامدگونه و چه از منظر

دیدگاهی فرآیندی، موفقیت فرد را در بافت جامعه، روابط اجتماعی و روابط صمیمی به طور معناداری پیش‌بینی می‌کند (رفاهی و همکاران، ۲۰۱۵؛ کوران و بوش، ۲۰۱۴؛ اصغری و همکاران، ۲۰۱۴؛ مول، ۲۰۱۳؛ دومن و همکاران، ۲۰۱۲؛ شوارتز، بیبرز و همکاران، ۲۰۱۱).

همان‌گونه که بیان شد، یافته‌ها حاکی از آن هستند که سبک هویت اطلاعاتی دارای بیشترین شدت ارتباط و سبک هویت هنجاری دارای کمترین شدت ارتباط با ناپایداری زندگی مشترک است؛ لذا هرچه زنان از سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری برخوردار باشند، ازدواج و زندگی زناشویی آنها کمتر توسط بی‌ثباتی در ازدواج مورد تهدید قرار می‌گیرد. افراد با سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری نسبت به انتخاب‌های خود تعهد و پایبندی بیشتری دارند و از آنجایی که پذیرای تجربه‌های جدید در زندگی هستند و از راهبردهای مسأله‌مدار برای حل بحران‌ها استفاده می‌کنند (برزنسکی، ۲۰۰۳: ۱۲۸)، نقش‌های بزرگسالی را با موفقیت بیشتری ایفا کرده (بیبرز و سیفگی - کرنکه، ۲۰۱۰: ۱۸۹) و در برقراری روابط پایا و مثبت با دیگران موفق‌تر عمل می‌کنند (رفاهی و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۶۳). این افراد علاوه بر اینکه در زندگی استرس (شوارتز، کلیمسترا و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۱۹) و حالات افسردگی (چن و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۴۳) کمتری را تجربه می‌کنند، از عزت نفس بالایی برخوردار هستند (زاهد - بابلان و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۲). لذا بر حسب انتظار، در برخورد با بحران‌ها و شرایط تنش‌زایی که در زندگی و ازدواج به وجود می‌آیند، کمتر درگیر رفتارهای مخرب شده (شوارتز، کلیمسترا و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۹۱) و عملکرد خوبی در ایجاد صمیمیت (کوران و بوش، ۲۰۱۴: ۸۲) و حفظ روابط سالم با همسر و اطرافیان خود دارند (شوارتز، بیبرز و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۷۰).

امروزه واحد خانواده به تدریج از حالت هسته‌ای خارج گردید و زندگی توافقی بدون ازدواج، خانواده‌های تک‌والد، خانواده‌های هم‌جنس‌گرا و حتی زندگی گروهی چند زن و مرد با ایجاد ارتباط آزاد جنسی در غرب معمول شده است. «وینچ» خانواده‌های آمریکایی را به ۳ دسته تقسیم می‌کند: در نوع سوم این تقسیم‌بندی، خانواده‌هایی قرار دارند که سرپرست آن‌ها مادر است که شایع‌ترین نوع خانواده می‌باشد. آمارها حاکی از آن است که در اواخر قرن بیستم، بیش از ۲۰ درصد خانواده‌ها تک‌والد بوده‌اند (وینچ، ۲۰۱۲: ۳۶). محققان اجتماعی علت این پدیده را تفکرات اومانستی و سهولت طلاق می‌دانند. امروزه زندگی توافقی شایع‌ترین نوع خانواده در غرب است، زیرا زن و مرد بدون هیچ تعهدی (چه اخلاقی و چه مالی) در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. هر ساله در دانشگاه روتگرز نیوجرسی، گزارشی درباره‌ی ازدواج و زناشویی در آمریکا تحت عنوان «پروژه‌ی ملی ازدواج» ارائه می‌شود. نتیجه‌ی مطالعه‌ی ازدواج و طلاق نشان می‌دهد که تقریباً نیمی از افراد بین ۴۰ - ۲۵ سال، در یک دوره با جنس مخالف زندگی کرده‌اند. از بین دختران و پسران جوان که مصاحبه شدند، به‌طور متوسط ۶۸ درصد معتقد بودند که با ازدواج اولیه باقی می‌مانند و در مقابل، تعداد زیادی، با زندگی کردن و داشتن فرزند بدون ازدواج موافق بودند. تنها ۳۰ درصد از دختران و ۴۰ درصد از پسران پاسخ دادند که زندگی کسانی که ازدواج کرده‌اند، خوشبخت‌تر از کسانی است که مجردند یا شریک بدون ازدواج دارند.

یکی از دلایل ترجیح زندگی توافقی در مقابل پیوند ازدواج در غرب، محوریت مسائل اقتصادی و امتیازاتی است که برای مجردها در نظر گرفته شده است، مثلاً تا قبل از سال ۱۹۶۱ در آمریکا، زوج‌های متأهل می‌توانستند برای هر دو نفر در یک خانه، درخواست کاهش مالیات کنند، در حالی که مجردین حق یک درخواست را داشتند، اما در سال ۱۹۶۹ امتیازات بیشتری برای مجردین در نظر گرفته شد که همین مسأله باعث

گردید تا تمایل افراد برای زندگی توافقی افزایش یابد (میلر^۱، ۲۰۰۸: ۲۸۱). اما زندگی غیرقانونی و ارتباط آزاد برخلاف ظاهرش، مشکلات زیادی را برای طرفین به ویژه زنان ایجاد نمود. ارضای نیاز جنسی با کاهش میزان عاطفه، عشق و کمبود امنیت همراه بود که به اختلالات روحی و عاطفی زنان منجر شد. به عبارت دیگر تعریف جدید از ازدواج و توافق در جوامع غربی، مهم‌ترین عامل افزایش طلاق به شمار می‌آید و به نظر برخی جامعه‌شناسان، «خانواده» و «ازدواج» از یک نهاد حقیقی و اجتماعی به «هم‌صحبتی» تبدیل شده است. در نگاه زوج غربی، ازدواج نوعی قرارداد با گزینشی کاملاً آزادانه و بر مبنای عشق است. احساسات عاشقانه معمولاً ناشی از یک هیجان جنسی و مادی می‌باشد؛ نه یک همبستگی معنوی، لذا میزان طلاق افزایش یافته است. افزایش بیماری‌های مقاربتی، حاملگی‌هایی که معمولاً پدر کودک مشخص نیست، سقط جنین، فرزندان نامشروع و آزارهای جنسی از پیامدهای دیگر تغییر خانواده است. دکتر «سیدمن»^۲ استاد دانشگاه کالیفرنیا در تحقیقات خود مشخص نمود: بهایی که امروز به ارتباط جنسی به عنوان یک اصل مهم در لذت داده می‌شود، علت اساسی اختلالات شخصیتی و بیماری‌های فردی و اجتماعی است. گسترش آزادی‌های جنسی تعهدات ارتباطی را از بین می‌برد و انتظارات غیرواقعی را برای خوشبختی در فرد به وجود می‌آورد (سیدمن^۲، ۲۰۰۲: ۱۳۰). گسترش ویروس ایدز، افزایش نرخ طلاق، حاملگی نوجوانان، تنهایی و انزوا، خشونت علیه زنان و کودکان، میوه‌های تلخ این نوع ارتباطات هستند. زندگی گروهی و هم‌جنس‌گرایی نیز تبعات خاصی را به دنبال داشته که اغلب این زوج‌ها به ناهنجاری‌های شدید روحی و جسمی مبتلا می‌شوند.

هم‌چنین شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که کاربرد افراطی رسانه‌های اجتماعی می‌تواند به «وابستگی» یا کاربرد اعتیادگونه آنها (راک و بوندس، ۲۰۰۸، به نقل از والنزوتلا، هالپرن و کتز، ۲۰۱۴: ۲۸۵) و حتی بروز اختلالات روانی، اجتماعی یا مشکلاتی در مدرسه، محل کار و در زندگی فردی منجر شود (کاس و گریفیتس، ۲۰۱۱، به نقل از همان). برخی از این اختلالات و ویژگی‌های اجتماعی می‌توانند بسیار مشکل‌زا باشند. بر اساس برخی پژوهش‌های انجام شده توسط تارنمای سیک فیس‌بوک که یک وبلاگ ضد فیس‌بوک است، بیش از ۳۵۰ میلیون کاربر از اختلال اعتیاد به فیس‌بوک (اف ای دی ۱۳) رنج می‌برند (لی، چئونگ و تادانی، ۲۰۱۲، به نقل از همان: ۸۴).

می‌توان نتیجه گرفت که در موارد متعدد ارتباط‌هایی که در شبکه‌های مجازی شکل می‌گیرد، عقیفانه نبوده و همراه با خیانت‌های عاطفی و واقعی است (کلابتون، ۲۰۱۴، والنزوتلا، هالپرن و کتز، ۲۰۱۴ صالح و مختار، ۲۰۱۵: ۸۱). روابطی که از طریق شبکه‌ها شکل می‌گیرد و اهداف و محتوایی که دنبال می‌شود، نه تنها بستری برای حل مشکلات زوجین فراهم نمی‌آورد، بلکه می‌تواند به تشدید آن کمک کند. به عبارت دیگر، می‌توان چرخه‌ی تقویت دو جانبه بین تعارضات زناشویی و گرایش به طلاق، از یک سو و اعتیاد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی را از سوی دیگر متصور شد؛ بدین معنا که در خوش‌بینانه‌ترین حالت، اگر معتقد باشیم که بذر اختلاف و اختلال در کیفیت روابط زوجین را معمولاً شبکه‌های اجتماعی نمی‌پاشند - که در موارد متعدد می‌پاشند - با اطمینان می‌توان گفت که شبکه‌ها در رشد این بذر نقش بسزایی دارند.

از سوی دیگر اریکسون معتقد است حاصل دستیابی به یک هویت منسجم، نیرویی به نام وفاداری است که شامل صمیمیت می‌شود. این نیرو می‌تواند باعث شود تا فرد مسائل مربوط به صمیمیت در دوره‌ی جوانی (۱۸ تا ۳۵ سالگی) را با موفقیت پشت سر گذارد. لذا لازمه‌ی رسیدن به صمیمیت، دستیابی به هویتی منسجم می‌باشد.

1. Miller

2. Seidman

از نظر اریکسون امکان دارد کسب هویت و صمیمیت پیش‌بینی کننده‌ای برای جدایی در دوران میان‌سالی باشد (به نقل از وینبرگر و همکاران، ۲۰۰۸: ۲۳۳). در این راستا وینبرگر و همکاران (۲۰۰۸) و کرافورد و آنگر (۲۰۰۶) نشان دادند که برخورداری از هویت منسجم و رسیدن به صمیمیت در فرد و زوج، از عوامل مهم ایجاد ازدواج‌های پایدار است و شانس این‌گونه افراد برای حفظ یک رابطه‌ی زناشویی باثبات بیش‌تر است.

۲. فهرست منابع

- اسکندری، حسین و درودی، حمید (۱۳۹۵)، «بررسی ارتباط میزان استفاده و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق و تعارضات زناشویی»، فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز، سال ۱، شماره ۲، ۶۱-۷۵.
- اعزازی، شهلا (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران.
- پاپالیا، دایان، ای، آلدز، سالی، وند کاس و فلدمن، روت، داسکین (۱۳۹۱)، *روان‌شناسی رشد و تحول انسان*، ترجمه‌ی داود عرب قهستانی و همکاران، تهران: رشد.
- ثنایی، باقر (۱۳۸۷)، *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*: تهران: بعثت.
- خدایاری فرد، محمد، شهابی، روح‌الله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶) «رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل»، *خانواده پژوهی*، شماره ۱۰، صص ۶۱۱-۶۲۰.
- دانشورپور، زهره، تاجیک اسمعیلی، عزیزالله، شهر آرای، مهرانز، فرزاد، ولی‌الله، و شکری، امید (۱۳۸۶)، «تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت»، *مجله‌ی روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران*، شماره ۱۳، ۳۹۳-۴۰۴.
- _____ غنایی، زیبا، شکری، امید، و زین‌آبادی، حسن رضا (۱۳۸۶)، «پیش‌بینی صمیمیت اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت»، *فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، شماره ۲، صص ۲۱-۷.
- ریحانی، رضا (۱۳۹۴)، «پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس مهارت تنظیم هیجانی و سبک‌های هویتی»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه بجنورد.
- زارعی، اقبال و احمدی سرخونی، طاهره (۱۳۹۱)، «نقش پیش‌بینی کننده‌های هوش معنوی و الگوهای ارتباطی با میزان رضایتمندی زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر بندرعباس»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۰۱.
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۹۳)، *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: آوای نور.
- شجاعی جشوقانی، ریحانه، احمدی علون‌آبادی، سید احمد، جزایری، رضوان‌السادات و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۷)، بررسی اثربخشی مداخلات مبتنی بر آسیب‌های برآمده از فضای مجازی بر کیفیت رابطه‌ی زوجین»، *مجله‌ی تحقیقات نظام سلامت*، سال ۱۴، شماره ۱، صص ۸۶-۹۸.
- شهرآرای، مهرانز (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی رشد نوجوان: دیدگاهی تحولی*، تهران: انتشارات علم.
- شولتز، دو آن، و شولتز، سیدنی. آلن (۱۳۹۲)، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه‌ی یحیی سید محمدی، تهران: ویرایش.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳)، «اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه‌ی سبک هویت»، *مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، شماره ۱۷، صص ۸۱-۹۹.
- کاشانی، مجید (۱۳۹۱)، *مطالعه‌ی جمعیت‌شناختی شبکه‌های اجتماعی مجازی با تأکید بر کاربران فیس‌بوک در ایران*، تهران: پلیس پیشگیری ناجا.
- محمدی، ابوالحسن (۱۳۸۸)، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، مسعود، فرنام، رابرت و محبوبی، پریسا (۱۳۹۰)، رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و دشواری در تنظیم هیجانی با رضایت زناشویی در معلمان زن جزیره‌ی کیش، *فصلنامه‌ی علمی پژوهشی زن و فرهنگ*، سال ۲، شماره ۷، صص ۹-۲۰.

- هاشمی، ز. (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه‌ی جهت‌گیری‌های مذهبی (اسلامی) با ابعاد هویت و سبک‌های هویت در بین دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- Anima, R. N. (2008), "**Marital Instability and its Impact on Women and Children of Bangladesh**", Shahid Sharawardi College Laxmibazar, Dhaka, Bangladesh.
- Animasahun, R. N., & Femi Fatile, E. A. (2011), "Patterns of marital instability among married couples in Lagos, Nigeria", **Journal of African Studies and Development**, 3, 10, 192-199.
- Archer, S. L. (1992), **A feminists approach to identity research**. In G. R. Adams, T. P. Gullotta, & R. Montemayor (Eds.), *Adolescent identity formation: An annual book series* (pp. 25-49). Newbury Park, CA: Sage.
- Bahadoori Khosroshahi, J., & Babapourkheyroodin, J. (2011), "The relationship between identity styles and perfectionism with happiness feeling in students", **Journal of Psychology**, 61, pp 50-36.
- Chen, Kun-Hu., Lay, Keng-Ling., & Wu, En-Chang(2013), "The Predictability of Identity Importance and Identity Firmness to Depression: Developmental Changes across Adolescence", **Chinese Journal of Psychology**, 55, 2, pp 237-253.
- English, T., John, O. P., & Gross, J. J.(2013), "Emotion regulation in relationships. In J. A. Simpson & L. Campbell (Eds.)", **Handbook of close relationships**, pp. 500–513. Oxford, UK: Oxford University Press.
- English, T., John, O. P., Srivastava, S., & Gross, J. J.(2012), "Emotion regulation and peer-rated social functioning: A 4-year longitudinal study", **Journal of Research in Personality**, 46, pp 780–784.
- Ford, B. Q., & Mauss, I. B.(2015), "Culture and emotion regulation", **Current Opinion in Psychology**, 3, pp 1-5.
- Frank, N. M., & Kim, H. (1998), "Teamwork and Trait Extremes Based on the Big Five Model of Personality", **Eastern Academy of Management Conference, Springfield, MA**, 14, 3, pp 23-48.
- Gable, S. L., Gonzaga, G. C., & Strachman, A. (2006), "Will you be there for me when things go right? Supportive responses to positive event disclosures", **Journal of Personality and Social Psychology**, 91, pp 904-917.
- Gottman, J. M.(1994), **What predicts divorce?: The relationship between marital processes and marital outcomes**, Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- Goldman, R. N., & Greenberg, L. (2013), "Working with Identity and Self-soothing in Emotion-Focused Therapy for Couples", **Journal of Family Process**, 52, pp 62-82.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000), "Decade review: Observing marital interaction", **Journal of Marriage and the Family**, 62, pp 927-947.
- Gresham, D., & Gullone, E. (2012), "Emotion Regulation Strategy Use in Children and Adolescents: The Explanatory Roles of Personality and Attachment", **Personality and Individual Differences**, 52, 5, pp 616-621.
- Gross, J. J., Sheppes, G., & Urry, H. L. (2011), "Taking one's lumps while doing the splits: A big tent perspective on emotion generation and emotion regulation", **Cognition and Emotion**, 25, pp 789–793.
- Halperin, E. (2011), "Emotional barriers to peace: Emotions and public opinion of Jewish Israelis about the peace process in the Middle East. Peace and Conflict", **Journal of Peace Psychology**, 17, pp 22–45.
- Helbig-Lang, S., Rusch, S., & Lincoln, T. M. (2015), "Emotion Regulation Difficulties in Social Anxiety Disorder and Their Specific Contributions to Anxious Responding", **Journal of Clinical Psychology**, 71, 3, pp 241-249.
- Hill, C. M., & Updegraff, J. A. (2012), "Mindfulness and its relationship to emotion regulation", **Emotion**, 12, 1, pp 91-90.
- Moghanloo, M., AgilaRofaee, M., & ShahrAray, M. (2009), "The relationship between identity style and religious in students", **Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology**, 15, 4, pp 377- 387.

- Schwartz, S. J., Klimstra, T. A., Luyckx, K., Hale, W. W., III, Frijns, T., & Meeus, W. H. J. (2011), "Daily dynamics of personal identity and self-concept clarity", **European Journal of Personality**, 25, pp 373-385.
- Schwartz, S. J., Zamboanga, B. L., Weisskirch, R. S., & Rodriguez, L. (2009), "The relationships of personal and ethnic identity exploration to indices of adaptive and maladaptive psychosocial functioning", **International Journal of Behavioral Development**, 33, pp 131-144.
- Shariati, S., Karaji, M., & Fakuri, N. (2014), "The relationship between Identity Styles and Mental Health of Male Students in Kermanshah", **Reef Resources Assessment and Management Technical Paper**, 40, 1, pp 298-304.
- Soltani, A., Hosseini, S., & Mahmoodi, M. (2013), "Predicting identity style based on family communication pattern in young males", **Procedia – Social and Behavioral Sciences**, 84, pp 1386-1390.
- Suri, G., Sheppes, G., & Gross, J. J. (2013), "Emotion regulation and cognition. In M. D. Robinson, E. R. Watkins, & E. Harmon-Jones (Eds.)", **Handbook of cognition and emotion** (pp. 195-209). New York: The Guilford Press.
- Todd, R. M., Cunningham, W. A., Anderson, A. K., & Thompson, E. (2012), "Affect-biased attention as emotion regulation", **Trends in Cognitive Sciences**, 16, pp 365-372.

